

سیرت حضرت رسول اکرم ﷺ

محمد محمد قاسم قاسمی
استاد دارالعلوم زاهدان

می‌گشت در همان دوران عنایات الهی به شکل ارسال رسل تجلی می‌کرد و فرستاده‌ای از جانب حق برای هدایت و نجات انسانها مبعوث می‌گشت.

آخرین باری که انحراف اعتقادی، اخلاقی، فساد سیاسی و اجتماعی همه جا را فرا گرفت و سایه شوم جاهلیت بر زمین گسترده شد، و به تعبیر علامه سید ابوالحسن علی ندوی رحمته «بشریت کاملاً خود را برای خودکشی و سقوط در جهنم دنیا و آخرت آماده کرده بود. مصلحان اجتماعی، ناصحان و مربیان جامعه کلاً قطع امید کرده بودند گویی آتشفشان کاملاً آماده انفجار بود. در همان برهه حساس و مقطع خطرناک آخرین فرستاده الهی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله ظهور کرد و سرنوشت بشریت را تغییر داد». قرآن مجید با تعبیر اختصاصی خود احوال گوشه‌ای از مردم جهان را در قسمتی از عربستان چنین به تصویر کشیده است:

«واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها»^(۱) به یاد آورید نعمت خداوند را بر خود، آن هنگام که با یکدیگر دشمن بودید، و خداوند میان دل‌هایتان پیوند داد، آنگاه به لطف حق برادر شدید، و بر لبه‌ی گودالی از آتش قرار داشتید ولی شما را از آن رهایی بخشید.

تولد خاتم پیامبران

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روز دوشنبه ۹ ربیع الاول سال عام الفیل برابر با ۲۰ آوریل سال ۵۷۱ میلادی هنگام صبح در مکه مکرمه چشم به جهان گشود؛^(۲) پدرش عبدالله چند ماه قبل از ولادتش رحلت کرده بود.

دامان نگه تنگ و گل حسن تو بسیار
گلچین بهار تو، زدامان گله دارد
یکی از بزرگترین مواهب الهی و عطاهای ربانی برای بشریت همانا سیره و عملکرد پیامبران الهی است. برآستی اگر سیرت و حیات طیبیه تمام پیامبران را از مجموعه‌ی فرهنگی جهان حذف نماییم، دامن بشریت چنان از فضایل و خوبیها تهی و خالی می‌گردد که چیزی برای افتخار بر سایر موجودات زنده باقی نمی‌ماند.

در واقع مدار عزت و آبروی بشریت سیره و زندگانی پاک‌ترین انسانها یعنی پیامبران الهی است. آری اگر سیره پاک انبیاء کرام صلی الله علیه و آله را از بشریت بگیریم، تاریخ انسانی به مجموعه‌ای از هواهای نفسانی، خودخواهی، جنگ‌طلبی، خرافات، جهالت، ضلالت و سردرگمی تبدیل می‌گردد.

می‌توان ادعا کرد در هر نقطه‌ی جهان نوعی خوبی و زیبایی اعتقادی و اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی، سیاسی به نظر می‌رسد؛ قطعاً مرهون سیره و تلاش پیامبران خدا است. چه انسانها به آن اعتراف نمایند یا انکار ورزند.

در طول تاریخ بشری و در طی قرون و اعصار چندین بار بشریت تصمیم به انحار و خودکشی دسته‌جمعی گرفت و نزدیک بود که همه چیز در ورطه هلاکت سقوط نماید و دستاوردهای چندین هزارساله نابود گردد، اما تعالیم زیبا و راهنمایی‌های مؤثر پیامبران الهی آن را نجات داد. بدون شک پیامبران الهی بر جهانیان منت نهاده‌اند و با فداکاریهای صمیمانه خویش همواره دست بشریت را گرفته و کشتی طوفان زده‌اش را به ساحل نجات رهنمون ساخته‌اند.

✓ بدون شک
پیامبران الهی
بر جهانیان
منت نهاده‌اند و
با فداکاریهای
صمیمانه
خویش همواره
دست بشریت
را گرفته و
کشتی طوفان
زده‌اش را به
ساحل نجات
رهنمون
ساخته‌اند.

تاریخ بشر گواهی می‌دهد که هرگاه تاریکی به اوج خود می‌رسید و بشریت از هر جهت دستخوش فلاکت و بدبختی

۱- آل عمران: ۱۰۳

۲- تحقیق منجم بزرگ و دانشمند مصری، محمود باشا، همین است (بنی رحمت - سید ابوالحسن ندوی)

خلوت در غار حرا

حضرت رسول اکرم ﷺ پیش از اینکه به مقام والای «نبوت» مشرف شود قلبش به خلوت و تنهایی تمایل پیدا کرد. خیلی دوست می‌داشت تنها بسر برد. برای همین منظور «غار حرا» را که در نزدیکی مکه قرار داشت خلوت‌گاه خود قرار داد و آنجا به تضرع و نیایش، تفکر و تدبر در قدرت حق مشغول می‌شد.

بعثت و نبوت

روزی از روزها در حالی که رسول اکرم ﷺ در «غار حرا» بسر می‌برد؛ روز موعود بعثتش فرا رسید تاریخ ۱۷ رمضان برابر ۶ اوت ۶۱۰ میلادی بود فرشته حاضر شد و عرض کرد بخوان! حضرت فرمود توانایی خواندن را ندارم! فرشته او را در بر گرفت و فشار داد تا این که احساس مشقت نمود و سپس رها کرد. فرشته ۳ بار این عمل را تکرار نمود. و در آخر گفت: «اقرأ باسم ربك الذي خلق ○ خلق الانسان من علق ○ اقرأ و ربك الاكرم الذي علم بالقلم ○ علم الانسان ما لم يعلم؛» (۳) بخوان به برکت نام پروردگارت که آفریدگار است ○ آفرید آدمی را از خون پاره‌های بسته ○ بخوان و پروردگارت بزرگوارتر است؛ آنکه علم آموخت بوسیله قلم ○ آموخت آدمی را آنچه نمی‌دانست.

این روز اولین روز ایام نبوت و پیامبری بود و این وحی اولین وحی از قرآن.

نکته‌ای بسیار شگفت انگیز

متفکر بزرگ قرن بیستم علامه سید ابوالحسن علی ندوی رحمته بعد از ذکر این واقعه مطلب بسیار جالبی نوشته که برای خوانندگان عرضه می‌شود:

«نکته شگرفی که توجه و دقت نظر دقیق و عمیق فیلسوفان، اندیشمندان و مؤرخان ادیان و جهان علم را می‌طلبد همان ذکر و یاد قلم در اولین وحی پیامبر اسلام ﷺ است.

آن هم بر فردی امی و درس نخوانده و در میان امتی بی‌سواد و نا آشنا با کتاب و قلم و در شهری که وجود قلم در آن همچون کیمیاست و تعداد کسانی که قادر به نوشتن و خواندن بودند از عدد انگشتان دست تجاوز

در سن شش سالگی سایه پر مهر مادرش «آمنه» را از دست داد و تحت تکفل جد بزرگوارش عبدالمطلب قرار گرفت.

در سن هشت سالگی عبدالمطلب نیز دارفانی را وداع گفت؛ بعد از عبدالمطلب، ابوطالب عهده دار تربیت و پرورش پیامبر اسلام ﷺ شد.

ابوطالب برادرزاده یتیمش را خیلی دوست می‌داشت و هر جا که می‌رفت او را همراه خود می‌برد.

از دوران نوجوانی به دلیل امانت داری، صدق و راستگویی در میان قومش به «محمد امین» لقب یافت.

داستانی جالب

عبدالله بن ابی الحساء می‌گوید: من با آن حضرت ﷺ معامله‌ای انجام دادم، مقداری از معامله را طی کردیم و مقداری از معامله هنوز باقی مانده بود که برایم مشکلی پیش آمد، گفتم اجازه دهید می‌روم و دوباره به همین‌جا بر می‌گردم. اتفاقاً فراموش کردم، بعد از سه روز یاد آمد که چنین وعده‌ای داده بودم وقتی به محل وعده رفتم آن حضرت را منتظر دیدم، بدون اینکه ناراحت شود گفت: ای جوان شما مرا در زحمت انداختید من سه روز است همین‌جا منتظر مانده‌ام. (۱)

مسافرت به شام

حضرت رسول اکرم ﷺ دو بار به شام مسافرت کرد. سفر اول در سن دوازده سالگی همراه عمویش ابوطالب انجام گرفت و سفر دوم آن حضرت ﷺ به پیشنهاد خدیجه که زنی تجارت پیشه بود به منظور تجارت و بازرگانی اتفاق افتاد. در این سفر «میسره» غلام خدیجه آن حضرت را همراهی می‌کرد.

ازدواج با خدیجه

خدیجه پس از بازگشت رسول اکرم ﷺ از شام درباره راستگویی و اخلاق حضرت تحقیق کرد و آنچه در آن سفر پیش آمده بود بوسیله «میسره» از آن آگاه شد. به همین دلیل درخواست خود را مبنی بر ازدواج به آن حضرت ﷺ تقدیم کرد.

حضرت رسول اکرم ﷺ درخواست خدیجه را قبول نمود و در سن ۲۵ سالگی با وی ازدواج کرد.

نتیجه‌ی این ازدواج دو پسر؛ قاسم و عبدالله و چهار دختر؛ زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه (رضی الله عنهم) بودند. (۲)

نکته

شگرفی که

توجه و دقت

نظر دقیق و

عمیق

فیلسوفان،

اندیشمندان و

مؤرخان ادیان و

جهان علم را

می‌طلبد همان

ذکر و یاد قلم در

اولین وحی

پیامبر

اسلام ﷺ

است...

۱- سنن ابی داود، شماره حدیث: ۲۹۹۶ دارالکتب العلمیة

۲- سیرة ابن هشام، ۲۲۷/۱، دار احیاء التراث العربی

۳- خلق ۲-۳-۱

✓ بنا به دعوت
حضرت ابوبکر
صدیق رضی الله عنه تنی
چند از بزرگان
قریش از
آنجمله حضرت
عثمان بن
عفان، زبیر بن
العوام،
عبدالرحمن بن
عوف، سعد بن
ابی وقاص و
طلحه بن
عبیدالله رضی
الله عنهم
مشرف به
اسلام شدند.

نمی‌کرد، این نکته لطیف دلالتی ظریف بر ارتباط این دین و این امت با خواندن و نوشتن و استفاده از نیروی قلم دارد، آن‌هم ارتباطی پایدار و عمیق، در حالی که در ادیان سابق از اینگونه ارتباط خبری نیست و این جا است که به رمز توسعه و انتشار نهضت علمی، تالیفی بی سابقه که دین اسلام مشعل دار آن است پی می‌بریم. علامه سید ابوالحسن علی ندوی رحمته الله در ادامه می‌افزاید: نکته ظریف دیگر این وحی همانا وجود آیه «علم الانسان ما لم يعلم» در این وحی است که در واقع عامل برانگیزنده و نیرومندی است برای تلاش در وسعت بخشیدن به دامنه علوم و اکتشاف مجهولات و جستجوی معرفت‌های جدید در عرصه علوم و عدم انکار حقایق علمی ثابت و درستی که در گذشته وجود نداشته و به مرور زمان کشف شده و خواهد شد.^(۱) حضرت رسول اکرم ﷺ از این ماجرا بیمناک شد. زیرا هنوز با چنین حالتی روبرو نشده و چنین سخنی نشنیده بود. آنحضرت ﷺ در حالی به خانه بازگشت که بدنش می‌لرزید! و به اهل خانه فرمود: «زملونی زملونی، لقد خشیت علی نفسی»؛ مرا بپوشانید! مرا بپوشانید! احساس بیم می‌کنم. حضرت خدیجه علت ناراحتی را جویا شد، آن حضرت ﷺ ماجرا را تعریف کرد. حضرت خدیجه زنی خردمند و فهمیده بود با توجه به تجربیاتش، رسول اکرم ﷺ را دلداری داد و گفت: «کلا والله ما یخزیک الله ابدا انک لتصل الرحم و تحمل الکمل و تکسب المعدوم و تقری الضیف و تعین علی نوائب الحق»؛^(۲) خیر! هرگز چنین نیست قسم بخدا، الله شما را هرگز ذلیل و خوار نخواهد کرد، زیرا شما صله رحم می‌کنید بار دیگران را بر دوش می‌گیرید، به مستمندان کمک می‌کنید، میهمان نواز هستید و کسانی را که در راه حق دچار مصایب و مشکلات می‌شوند یاری می‌دهید. نخستین کسانی که اسلام آوردند

حضرت رسول اکرم ﷺ دعوت به اسلام را عرضه نمود؛ از میان زنان حضرت خدیجه و از میان کودکان حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه و از میان بزرگان حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه اسلام آوردند. حضرت ابوبکر صدیق فردی تجارت پیشه و بسیار با اخلاق بود و در میان قریش دارای حسن شهرت و مورد اعتماد بود از موقعیتش

استفاده کرد و دعوت را آغاز نمود. بنا به دعوت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه تنی چند از بزرگان قریش از آنجمله حضرت عثمان بن عفان، زبیر بن العوام، عبدالرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص و طلحه بن عبیدالله رضی الله عنهم مشرف به اسلام شدند.^(۳)

دعوت علنی بر بلندای کوه صفا
حضرت رسول اکرم ﷺ سه سال مخفیانه دعوت را ادامه داد تا اینکه آیه ذیل نازل شد.

«فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین»؛^(۴) پس آشکار کن آنچه را که به آن مأموریت داری و از مشرکان روی بگردان.

آن حضرت ﷺ با رسیدن این دستور بالای کوه صفا رفت و با صدای بلند ندا سر داد «یا صباحاه» این صدا بسیار معروف بود، رسم بر این بود که هرگاه انسانی نسبت به وجود دشمنی بزرگ احساس خطر می‌کرد ندای «یا صباحاه» را سر می‌داد.

قومش بی درنگ جمع شدند حضرت رسول اکرم ﷺ خطاب به آنها فرمود: «اگر به شما خبر بدهم که اسب سوارانی از دامنه‌ی این کوه قصد دارند بر شما تهاجم آورند آیا سخن مرا باور می‌کنید؟ همگی گفتند: آری باور می‌کنیم چون شما راستگو هستید و اکنون بر بالای کوه قرار دارید.

آنحضرت ﷺ فرمود: «فانی نذیر لکم بین یدی عذاب شدید» پس من شما را نسبت به عذابی دردناک که پیش روی شما قرار دارد بیم می‌دهم.

آن حضرت ﷺ می‌خواست با یک مثال جالب و رسا عملاً مرتبه‌ی نبوت را بشناساند و به آنها تفهیم نماید کسی که به مقام نبوت رسیده چیزهایی را می‌بیند و لمس می‌کند که دیگران نمی‌توانند ببینند و لمس نمایند. پس باید به گفته او اذعان و یقین نمایند تا از فتنه‌ها و مشکلات نجات یابند.

مردم در مقابل این روش حکیمانه دعوت که در تاریخ نبوت‌ها و ادیان بی سابقه است ساکت شدند. فقط ابولهب گفت: «تبا لک سائر الیوم، اما دعوتنا الا

۱- السیرة النبویة، ۱۰۵/۱، تألیف علامه السید ابوالحسن ندوی رحمته الله.

۲- صحیح بخاری: باب کیف کان بدء الوحی الی رسول الله ﷺ، (۲۲/۱).

۳- السیرة النبویة لابن هشام، ۲۸۷/۱، دار احیاء التراث العربی

لهذا؟؛ هلاکت باد شما را در تمام روز آیا تو صرفاً ما را برای همین منظور دعوت کرده‌ای. (۱)

مخالفت‌های سرسختانه قوم

بعد از جریان فوق مخالفت‌های علنی قریش علیه رسول اکرم ﷺ و مسلمین آغاز شد. سرانجام ابوطالب را تحت فشار قرار دادند و به صراحت گفتند: «برادرزاده‌ات را باز دارید یا اینکه ما علیه شما و او به جنگ بر می‌خیزیم». ابوطالب به رسول اکرم ﷺ گفت: «برادرزاده عزیز! قومت نزد من آمده‌اند و چنین و چنان گفته‌اند از این جهت شما بر من و خودت رحم کنید».

حضرت ﷺ وقتی متوجه شد که ابوطالب نگران شده و از حمایت و یاری‌اش احساس ناتوانی و بیم می‌کند به عمویش چنین گفت: «عموجان! قسم به خدا اینها اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپم بگذارند تا دست از این کار بکشم، هرگز این کار را ترک نخواهم کرد؛ تا اینکه یا خداوند متعال دین خود را غالب سازد یا این که من در همین راه قربان شوم».

با گفتن این کلمات اشک‌های رسول اکرم ﷺ سرازیر شد و از آنجا برخاست. ابوطالب او را صدا کرد و گفت: «برادرزاده عزیزم برو هر چه دوست داری بگو و راحت را ادامه بده من هرگز تو را تنها نمی‌گذارم و به هیچ وجه دست از پشتیبانی‌ات بر نمی‌دارم».

بعد از این ماجرا حضرت رسول اکرم ﷺ به دعوت الی الله ادامه داد.

قریش نمی‌توانستند به دلیل حمایت ابوطالب به خود آنحضرت تعرض نمایند اما با افراد تازه مسلمان بد رفتاری می‌کردند. از آن جمله بلال حبشی را بر روی سنگهای داغ و سوزان بر پشت می‌خواباندند و شکنجه می‌دادند؛ و بر سینه‌اش سنگ بزرگ و داغ می‌گذاشتند اما او مرتباً «احد، احد» را زمزمه می‌کرد. (۲)

بنی مخزوم عمار بن یاسر را با پدرش هنگام گرمای شدید بیرون آورده و بر روی ریگ‌های داغ مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند.

حضرت رسول اکرم ﷺ از کنار آنان می‌گذشت اما نمی‌توانست کاری کند فقط آنها را به صبر و استقامت توصیه می‌کرد و می‌فرمود: «صبراً آل یاسر موعدهم الجنة»؛ ای خاندان یاسر صبر کنید که جایگاه شما بهشت است. (۳)

مصعب بن عمیر که یکی از جوانان برومند مکه بود به وی خبر رسید که پیامبر اسلام در «دار ارقم بن ابی ارقم» تشریف دارد و مردم را به اسلام دعوت می‌کند، فوراً خود را آنجا رسانید و ایمان آورد.

چند روزی اسلامش را مخفی کرد اما بالاخره خانواده‌اش متوجه شده او را زندانی کردند. مصعب تا زمان هجرت به حبشه در زندان بسر می‌برد وقتی آزاد شد به سرزمین حبشه هجرت نمود.

حضرت عثمان بن عفان پس از اسلام آوردن توسط عمویش حکم بن العاص یا طنابها بسته و شکنجه می‌شد.

عمویش می‌گفت: تو را رها نمی‌کنم مگر اینکه از دین جدید برگردی، عثمان می‌گفت: بخدا هرگز این دین را ترک نمی‌کنم. (۴)

محاصره‌ی اقتصادی

از طرفی شکنجه‌گریها و اذیت و آزار قریش ادامه داشت از طرف دیگر اسلام در میان قبایل مختلف در حال گسترش بود.

قریش این وضعیت را تحمل نکردند سران قریش تشکیل جلسه داده محاصره اقتصادی علیه بنی هاشم و بنی عبدالمطلب را به تصویب رساندند.

بنی هاشم از این محاصره و قطع روابط قریش شدیداً تحت فشار قرار گرفتند، برگ‌های درختان را می‌خوردند، بر اثر گرسنگی ناله و فریاد کودکان از دور شنیده می‌شد. هیچ‌کدام از بنی هاشم حق نداشتند چیزی از بازار بخرند. این محاصره تا سه سال به درازا کشید اما حضرت رسول اکرم ﷺ در همین حالت مرتباً شب و روز پنهان و آشکار به دعوتش ادامه می‌داد.

آغاز اسلام در مدینه

حضرت رسول اکرم ﷺ در کار دعوت به یک شیوه اکتفا نمی‌کرد، هر فرصتی را غنیمت می‌شمرد. در موسم حج که قبایل عرب از اطراف می‌آمدند نزد آنها می‌رفت و با افراد هر قبیله جداگانه ملاقات می‌کرد و آنها را به دین اسلام و حمایت خود فرا می‌خواند.

عموجان!

قسم به خدا

اینها اگر

خورشید را در

دست راست

من و ماه را در

دست چپم

بگذارند تا

دست از این کار

بکشم، هرگز

این کار را ترک

نخواهم کرد؛ تا

اینکه یا خداوند

متعال دین خود

را غالب سازد یا

این که من در

همین راه قربان

شوم.

نبی رحمت، سید ابوالحسن ندوی ر.ه. ص: ۱۱۴

۱- ۲- این هشام: ۲۵۵/۱

۳- این هشام: ۲۵۷/۱ ۲- الاستیعاب: ۲۸۷/۱

بیعت عقبه

روزی حضرت رسول اکرم ﷺ در موسم حج از مکه بیرون رفت در محل منی در کنار «عقبه» (گردنه کوه) با گروهی از خزرج ملاقات کرد آنان را به اسلام دعوت نمود.

آنها چون در مدینه از همسایه‌های یهود خود شنیده بودند که پیامبر آخر الزمان زمانش فرا رسیده است با خود گفتند: این همان پیامبری است که یهود ما را از او می‌ترسانیدند مبادا از ما سبقت بگیرند. آنها اسلام را پذیرفتند و گفتند قوم ما خیلی با یکدیگر دشمنی و عداوت دارند اگر خداوند متعال آنها را توسط شما متحد کند هیچ شخصی از شما گرامی‌تر نخواهد بود.^(۱) این چند نفر به مدینه برگشتند و برای قوم خود ماجرا را تعریف کرده و آنها را نیز به سوی اسلام دعوت کردند. سال بعد ۱۲ نفر از انصار در مراسم حج نزدیک عقبه با آن حضرت بیعت نمودند حضرت رسول اکرم ﷺ از آنها تعهد گرفت که:

۱- احدی را با خداوند شریک نسازند.

۲- دزدی نکنند.

۳- از زنا و بی‌عفتی پرهیز کنند.

۴- از کشتن فرزندان، دست بردارند.

۵- از رسول الله ﷺ اطاعت و پیروی نمایند.^(۲)

انصار پس از بیعت به مدینه بازگشتند حضرت رسول اکرم ﷺ مصعب بن عمیر و عمرو بن ام مکتوم را همراه آنان برای تعلیم قرآن و دعوت الی الله به مدینه اعزام نمود.^(۳)

مصعب بن عمیر در سال بعد به مکه بازگشت تعدادی از انصار نیز با حجاج مشرکین به مکه آمدند، قرار گذاشتند که وقتی یک سوم شب گذشت در دره‌ای نزدیک عقبه با رسول الله ﷺ ملاقات نمایند.

این گروه که تعدادشان ۷۳ نفر مرد و زن بود طبق وعده با رسول الله ﷺ ملاقات و بیعت نمودند و قول دادند که از رسول اکرم ﷺ محافظت نمایند.

هجرت اصحاب به مدینه

فضای مکه روز بروز بر مسلمانان تنگ و تاریک‌تر می‌شد، شکنجه‌های قریش در حال افزایش بود، نگرانی مسلمانان به اوج خود رسیده بود، در فکر پناهگاه و چاره‌ای بودند، بیعت رسول اکرم ﷺ با انصار گره

مشکلات را گشود.

رسول اکرم ﷺ به مسلمانان دستور داد به مدینه هجرت نمایند و به انصار بپیوندند فرمود: «ان الله عزوجل جعل لکم اخواناً و داراً تأمنون بها»؛ خداوند متعال برای شما برادران و پناهگاهی مهیا کرده است که شما در آنجا امنیت خواهید یافت.^(۴)

ناگفته نماند قریش وقتی متوجه این قضیه شدند از ایجاد موانع بر سر راه هجرت، از هیچ کوششی دریغ نکردند. عده‌ای از مسلمان مجبور شدند، تنها و مخفی هجرت کنند عده‌ای بدون زن و فرزند مکه را ترک کردند و عده‌ای از مال و ثروت خود صرف نظر کرده ثابت نمودند که ارزش عقیده از هر چیز بالاتر است.

همه چیز اعم از مال و جان و وطن را برای عقیده می‌توان قربان کرد ولی برای هیچ چیز دیگر نمی‌توان عقیده و هدف را فدا نمود.

خداوند متعال به صدق و حقانیت ایمان کسانی که هجرت کرده و کسانی که با هجرت کنندگان مساعدت نمودند چه جالب صحنه گذاشته و آنان را مورد تحسین و ستایش قرار داده است.

«والذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله و الذین آووا و نصروا اولئک هم المؤمنون حقاً لهم مغفرة و رزق کریم»؛^(۵) بیگمان کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه الله جهاد نمودند و همچنین کسانی که پناه دادند و یاری کردند آنها هستند مؤمنان واقعی و راستین، برای آنها است آمرزش و روزی با عزت (از جانب الله).

هجرت رسول اکرم ﷺ به مدینه

بعد از اینکه عده زیادی از مسلمانان هجرت کردند سرانجام خود آن حضرت ﷺ نیز اجازه هجرت یافت هنگام خروج از مکه در حالیکه دچار احساسات و عواطف بود خطاب به مکه چنین گفت:

«ما اطمینک من بلد و احبک الی و لولا ان قومی اخرجونی منک ما سکنت غیرک»؛^(۶) چه شهر خوبی هستی و چقدر محبوب من هستی؛ اگر قوم مرا از تو

✓ همه چیز
اعم از مال و
جان و وطن را
برای عقیده
می‌توان قربان
کرد ولی برای
هیچ چیز دیگر
نمی‌توان عقیده
و هدف را فدا
نمود.

۱- سیره ابن هشام: ۲/۲۷۲

۲- ابن هشام: ۲/۲۷۲

۳- الفصول فی سیره الرسول، ابن کثیر ص: ۱۱۰

۴- ابن هشام: ۲/۸۱

۵- انفال: ۷۳

۶- ترمذی، فضل مکه

حالی خواهی بود که النگوهای کسری را خواهی پوشید. بالاخره پیشگویی آن حضرت علیه السلام کلمه به کلمه تحقق یافت. ایران در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه فتح شد. النگوهای کسری با تاج وی نزد امیر المؤمنین حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه آورده شد. ایشان سراقه بن مالک را خواست و با دست خود النگوهای کسری را به سراقه پوشانید.

مدینه در استقبال خاتم النبیین صلی الله علیه و آله

مردم مدینه وقتی خبر شدند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مکه را به قصد مدینه ترک گفته‌اند چشم براه شدند آنها هر روز بیرون شهر گرد می‌آمدند و بی تابانه منتظر می‌ماندند. بعد از انتظار طولانی به خانه شان برگشته بودند که در همین دوران یکی از یهودیان نگاهش به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و همراهش افتاد او با دیدن خاتم النبیین بلند فریاد زد و مقدم رسول الله صلی الله علیه و آله را اعلام کرد. انصار به استقبال شتافتند، تعداد استقبال کنندگان حدود ۵۰۰ نفر بودند. زنان از پشت بام‌ها نگاه می‌کردند، هر یکی از دیگری می‌پرسید: «ایهم هو؟ ایهم هو؟» او کدام یک است؟ او کدام یک است؟

مدینه غرق سرور و شادی بود هر کسی بر زبانش این سخن جاری بود الله اکبر! رسول الله صلی الله علیه و آله تشریف آوردند. مسلمانان در طول زندگی خویش به چنین شادمانی عظیم‌الشان دست نیافته بودند، دختران خردسال انصار با کمال مسرت و خوشحالی اشعار زیر را زمزمه می‌کردند:

طلع البدر علينا من ثنات الوداع
وجب الشکر علينا ما دعا لله داع
ایها المبعوث فینا جئت بالامر المطاع

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله چهار روز در قبا اقامت گزیدند، صبح روز جمعه از آنجا حرکت کردند و نماز جمعه را در محله بنی سالم ادا نمودند و به سوی شهر مدینه رهسپار گردیدند.

وقتی داخل شهر شدند هر کسی آرزو می‌کرد و اصرار می‌نمود که افتخار میزبانی آن حضرت نصیبش شود اما

بیرون نمی‌کرد، من هرگز جای دیگری را برای سکونت اختیار نمی‌کردم.

شایان ذکر است که قریش با وجود مخالفت و دشمنی با حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امانت داری و راستگویی آن حضرت اعتماد فوق العاده‌ای داشتند، هر کس چیز خوب و گران بهایی داشت حتماً آن را نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امانت می‌گذاشت.

آن حضرت صلی الله علیه و آله وقتی قصد هجرت کرد به حضرت علی کرم الله وجهه دستور داد که در مکه بماند و امانت‌ها را از جانب وی به صاحبانشان برگرداند فرمود: در جایگاه من استراحت کن به تو هیچ گزندی نخواهد رسید. ^(۱)

بالاخره خودش همراه حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه مخفیانه از مکه خارج شدند سه روز در «غار ثور» درنگ کردند از آن طرف قریش اعلام کردند که هر کس رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به آنها برگرداند به او صد شتر بعنوان جایزه اهدا خواهد شد.

اندوهگین مباش خدا با ماست.

عده‌ای از مشرکین مکه در تعقیب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا دهانه غار رسیدند لحظه‌ای بسیار حساس بود صدیق اکبر رضی الله عنه گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله اگر کمی دقت کنند ما را خواهند دید؛ آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «ما ظنک بائین الله ثالثهما» چه فکر می‌کنی نسبت به دو نفری که سومین شان الله است. ^(۲)

قرآن مجید در همین باره می‌گوید:

«ثانی اثنین اذهما فی الغار اذ یقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا»؛ ^(۳) آنگاه که در غار بودند یکی از آن دو نفر (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) به رفیق خود (ابوبکر صدیق رضی الله عنه) گفت: اندوهیگن مباش خدا با ماست.

قهرمان عرب در تعقیب رسول الله صلی الله علیه و آله

قهرمانان متعدد عرب برای گرفتن جایزه اسب‌ها را زین کرده و با اسلحه به راه افتادند از آن میان سراقه بن مالک تصمیم گرفت که این فرصت تاریخی را به هیچ کس دیگر ندهد، سوار بر اسب شد و به راه افتاد همینکه نزدیک رسول الله صلی الله علیه و آله رسید پاهای اسب سه بار در زمین فرو رفت، اینجا بود، که از کرده‌اش سخت پشیمان شد؛ از آن حضرت تقاضای امان کرد.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به وی امان داد و فرمود: «کیف بک اذا لبست سواری کسری؟»؛ ^(۴) آن روز دارای چه

۱- سیره ابن هشام: ۹۹۷-۹۷

۲- ابن کثیر: ۲۲۵/۳، دارالحدیث، قاهره

۳- توبه: ۲- استیماپ: ۵۹۷/۲

✓ مدینه غرق

سرور و شادی

بود هر کسی بر

زبانش این

سخن جاری

بود الله اکبر!

رسول الله صلی الله علیه و آله

تشریف آوردند.

مسلمانان در

طول زندگی

خویش به چنین

شادمانی

عظیم‌الشان

دست نیافته

بودند،

آن حضرت فرمودند: راه شتر را باز بگذارید او خودش از جانب الله مأموریت دارد که کجا زانو بزند. سرانجام شتر در جایی که امروزه محل دروازه مسجد نبوی است زانو به زمین زد.

سعادت میزبانی نصیب ابو ایوب انصاری گردید. آن حضرت هفده ماه در خانه ابو ایوب اقامت گزیدند. تا اینکه مسجد و خانه‌اش ساخته شد سپس نقل مکان کردند.^(۱)

پیوند برادری میان مهاجرین و انصار

رسول الله ﷺ میان مهاجرین و انصار پیوند برادری برقرار نمود. انصار طوری، از خودگذشتگی نشان دادند که در تاریخ ادیان و اخلاق سابقه ندارد؛ برادر انصاری به برادر مهاجرش می‌گفت: نصف مال من از آن شما است، دو همسر دارم هر کدام را بپسندید آن را طلاق می‌دهم، مهاجر پاسخ می‌داد خداوند در اهل و مال‌تان برکت بدهد، برادرم! کافی است مرا به بازار راهنمایی فرمایید. از جانب انصار، ایثار و از خودگذشتگی و از جانب مهاجرین خودداری و عزت نفس به نمایش گذاشته می‌شد.^(۲)

آغاز جهاد مسلحانه

همین که اسلام در مدینه استقرار یافت قریش به این فکر افتادند که اگر این وضع ادامه یابد اسلام سراسر شبه جزیره را فرا خواهد گرفت اینجا بود که آستین دشمنی را بالا زدند و از هر طرف علیه مسلمانان وارد فعالیت شدند.

اما خداوند به مسلمانان دستور داد که صبر و گذشت را پیشه گیرند.

«كفوا ايديكم و اقيموا الصلاة»؛ دستهایتان را نگاه دارید و نماز را بپای دارید.

منظور این بود که این طریق لذات زندگی در نظرشان حقیر شود و تزکیه شان به حد کمال برسد و اطاعت همه جانبه پروردگار با مخالفت با هواهای نفسانی، برایشان آسان و سهل شود.

بالاخره پس از این مرحله الله تعالی به آنان اجازه داد تا با جهاد مسلحانه از خود دفاع نمایند.

«اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا و ان الله على نصرهم لقدير»؛^(۳) برای آنهایی که مورد ظلم واقع شده‌اند اجازه جنگ داده شد و البته خداوند بر یاری دادن آنها

✓ از جانب انصار، ایثار و از خودگذشتگی و از جانب مهاجرین خودداری و عزت نفس به نمایش گذاشته می‌شد.

تواناست. حضرت رسول اکرم ﷺ بعد از اجازه جنگ دسته‌ها و هیأت‌هایی را به سوی قبایل و اطراف مدینه می‌فرستاد. هدف این بود که شوکت و عزت مسلمانان را نمایان کند و موانع دعوت الی الله را بر طرف سازد.

غزوات و سرایا

از رمضان سال دوم هجری غزوات و سرایا بطور جدی آغاز شدند نخستین جنگ که به نام غزوه «البدر الکبری» معروف است ۱۷ رمضان سال دوم هجری به وقوع پیوست.

و سرنوشت امت و دعوت اسلامی را که در واقع سرنوشت معنوی بشریت به آن وابسته بود، رقم زد. علامه سید ابوالحسن ندوی رحمته الله درباره نقش سرنوشت ساز بدر در تاریخ اسلام می‌نویسد: «در طول تاریخ اسلامی هر نوع پیروزی و موفقیتی که حاصل شده و هر حکومتی که تأسیس گردیده همگی مدیون آن فتح مبینی هستند که در میدان بدر تحقق یافت.

به همین دلیل الله عزوجل روز بدر را به یوم الفرقان نام گذاری فرموده است.

«ان كنتم امنتم بالله و ما انزلنا على عبدنا يوم الفرقان يوم التقى الجمعان»؛^(۴) اگر به خدا و به آنچه بر بنده‌مان در روز جدایی کفر و ایمان نازل کردیم ایمان دارید روزی که دو گروه مؤمنین و کافر رودرروی یکدیگر قرار گرفتند.

بعد از پایان جنگ بدر تا سال ۱۰ هجری که سال رحلت رسول اکرم ﷺ است، جنگ‌های متعددی صورت گرفت. که مجموعه آن بالغ بر ۲۷ غزوه است.

اما تعداد اعزام‌ها و دسته‌ها شصت مورد می‌باشد. که در بعضی آنها عملیات صورت نگرفت.

شایان ذکر است مقدار خونی که در تمام جنگها و لشکرکشیها ریخته شد کمترین مقدار خونی است که در تاریخ نبردهای دنیا اتفاق افتاده است تعداد کشتگان از هر دو طرف متجاوز از ۱۰۱۸ کشته نبوده است.^(۵)

اما همین تعداد اندک سبب شد جلوی خونریزی‌های

۱- السيرة النبوية، السيد ابي الحسن ندوی رحمته الله، ص: ۱۹۹، به نقل از ابن کثیر

۲- الجامع الصحيح البخاری ۳- صحیح: ۳۹

۴- انفال: ۲۱

۵- نبی رحمت، سید ابوالحسن ندوی، ص: ۳۷۳

حجة الوداع

حضرت رسول اکرم ﷺ در سال دهم هجری به قصد ادای حج عازم مکه گردید، در این سفر بیش از صد هزار نفر با آن حضرت پیوستند، تا باتفاق آن حضرت به ادای حج مشرف شده و این سفر تنها سفر حج نبود بلکه هر کس احساس می‌کرد در یک مدرسه سیار آداب و سنن اسلامی را فرا می‌گیرد و معنویتش را به تکامل می‌رساند.

آن حضرت ﷺ ضمن ادای مناسک حج مهمترین توصیه‌های خود را در محل منی و عرفات برای امت اسلام بیان کرد، خطبه‌های آن حضرت در حجة الوداع در واقع عصاره تعالیم نبوی بود.

✓ از میان

صحابه کرام

حضرت ابوبکر

صدیق ﷺ که

رمز شناس

نبوت بود به

منظور این جما

پی برد و یقین

کرد که بنده

مشار الیه خود

حضرت رسول

اکرم ﷺ

می‌باشد که

برای سفر به

آخرت اعلام

آمادگی

می‌کند؛...

بی شماری که خدا می‌داند تا به چه حد می‌رسید، گرفته شود. امنیت سراسر جزیره العرب را فرا گرفت طوریکه یک زن تنها سوار شتر شده از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر جهان اسلام سفر می‌کرد و از هیچ کس و اهمه‌ای نداشت. تمام این جنگ‌ها با رعایت آداب اخلاقی و تعالیم رحیمانه انجام می‌گرفت.

با اسیران جنگی به بهترین روش رفتار می‌شد. حضرت رسول اکرم ﷺ درباره اسیران توصیه فرمود: «استو صوابهم خیراً»؛ من شما را درباره آنها به نیکی توصیه می‌کنم.

ابوعزیز بن عمیر می‌گوید: من در بدر اسیر شدم موقع نهار و شام به من نان می‌دادند و خودشان به خرما اکتفا می‌کردند و هرگاه تکه نانی بدست کسی می‌افتاد آن را به من می‌داد. من شرمند می‌شدم و آن را به او بر می‌گردانیدم ولی او به آن دست نمی‌زد و دوباره به سوی من بر می‌گردانید. (۱)

دلیل این مدعا همان توصیه اکید حضرت رسول اکرم ﷺ به مجاهدان اسلام هنگام تودیع آنان است. هرگاه مجاهدین را اعزام می‌کرد به آنها می‌فرمود: من شما را به تقوی و ترس از خدا توصیه می‌کنم. به نام الله با کسانی که به خدا کفر ورزیده‌اند جهاد کنید از پیمان شکنی برحذر باشید. خیانت نکنید، از کشتن کودکان و پیرمردان و سالخورده‌گان جداً پرهیز کنید. به کسانی که در عبادتگاه‌هایشان گوشه گیر هستند تعرض نکنید نزدیک نخلستان‌ها نروید، درختان را قطع نکنید و ساختمان‌ها را منهدم نسازید. (۲)

مقایسه جنگ‌های اسلامی با جنگ‌های قرن بیستم خوانندگان عزیز اگر جنگ‌های اسلامی زمان رسول الله را فقط با دو جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸ و جنگ جهانی دوم ۱۹۳۱-۱۹۴۵ مقایسه کنید تعداد مقتولین در جنگ جهانی اول شش میلیون و چهارصد هزار نفر و تعداد قربانیان جنگ جهانی دوم ۳۵ الی ۶۰ میلیون نفر بوده است.

در صورتیکه این دو جنگ خانمان سوز هیچ منفعتی برای بشریت به ارمغان نیاوردند، تعداد قربانیان دادگاه‌های انگیزاسیون (تفتیش عقاید) در اروپا در قرون وسطی بالغ بر دوازده میلیون نفر بوده است.

۱- نبی رحمت، سید ابوالحسن ندوی، ص: ۳۷۵

۲- ابن کثیر: ۳۷۵/۲

۳- صحیح بخاری، کتاب الصلوة، باب الخوذة

۴- السیرة النبویة به نقل از مؤطا امام مالک

جانشینی پیامبرش مهیا کرده بود صبر و استقامت بی نظیری از خود نشان داد.

صدیق اکبر ﷺ وقتی دید که مردم در هیجان و اضطراب بسر می‌پرند. و صحابه بزرگی مانند: حضرت عمر و عثمان و علی بی نهایت متأثر شده‌اند جهت تسکین قلب‌های مجروح خطبه ذیل را ایراد کرد:

«ایها الناس انه من کان یعبد محمداً فان محمداً قد مات و من کان یعبد الله فان الله حی لا یموت»؛ ای مردم هر کسی حضرت محمد ﷺ را عبادت کرده است بدانند که حضرت محمد ﷺ از دنیا رحلت کرد اما هر کسی خداوند را پرستش کرده بدانند که خداوند زنده و پایدار است و مرگ را بر او راهی نیست.^۱

سپس این آیه را تلاوت کرد: «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضرا الله شیئاً و سیجزی الله الشاکرین»؛^۲

صحابه کرام بعد از سخنرانی حضرت ابوبکر و شنیدن آیه مذکور آرامش یافتند.

هنوز پیکر پاک حضرت رسول اکرم ﷺ به خاک سپرده نشده بود که مسلمانان با توجه به اهمیت خلافت، لازم دانستند هر چه زودتر جانشین رسول الله ﷺ را تعیین کنند و راه هرگونه اختلاف و سوء استفاده را مسدود نمایند؛ در محل سقیفه بنی ساعده گرد آمدند باتفاق آراء با ابوبکر صدیق ﷺ بعنوان جانشین رسول الله ﷺ بیعت کردند.

مراسم تجهیز و تکفین توسط حضرت علی بن ابی طالب ﷺ و چند تن از اهل بیت کرام انجام گرفت. بعد از آن صحابه کرام دسته دسته می‌آمدند و بر آن حضرت نماز می‌گزارند. هیچ کسی امام نبود.

بالاخره جنازه خاتم النبیین سید الاولین و الاخرین در شب چهارشنبه در حجره‌ی ام‌المؤمنین حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها به خاک سپرده شد.

«صلی الله علیه و علی آله و صحبه اجمعین و من تبعهم باحسان الی یوم الدین».



حضرت علی کرم الله وجهه می‌فرماید:

«اوصی رسول الله ﷺ بالصلوة و الزکاة و ما ملکت ایمانکم»^(۱) آنحضرت ﷺ به ادای نماز و پرداخت زکات و حسن سلوک با بردگان و زیر دستان توصیه نمود.

بالاخره بعد از چهارده روز بیماری لحظه‌ی موعود فرا رسید آخرین پیام آور پروردگار جهانیان در روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول دیده از این جهان فرو بست.

ام المؤمنین حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها می‌گوید: رسول اکرم ﷺ دخترش فاطمه زهرا رضی الله عنها را خواست و در گوش وی چیزی گفت؛ فاطمه شروع به گریه کرد، دوباره او را صدا زد و در گوش وی چیزی فرمود: فاطمه خوشحال شد و خندید.

ام المؤمنین می‌گوید بعدها از وی پرسیدم فاطمه زهرا گفت: بار اول به من خبر داد که در همین بیماری رحلت خواهد کرد، من گریه کردم اما بار دوم فرمود: که ای فاطمه تو نخستین کسی خواهی بود که به من می‌پیوندی و ضمناً مژده‌ای به من داد که تو سرور زنان بهشت خواهی شد.^(۲)

ام المؤمنین حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها می‌گوید: خدمت آن حضرت ﷺ رفتم نگاهش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: «فی الرفیق الاعلی، فی الرفیق الاعلی» نزد بالاترین رفیق، نزد بالاترین رفیق. در حالی که این کلمات بر زبانش جاری بود جان به جان آفرین سپرد.

رسول اکرم ﷺ در حالی جهان را وداع گفت: که فرمانروای تمام جزیره العرب بود اما با این وصف هنگام وفات به جز یک قاطر سفید و یک قبضه اسلحه و یک قطعه زمین که آن را صدقه کرد چیزی دیگر از دنیا باقی نگذاشت.

هنگام رحلت زره جنگی خاتم الانبیاء در مقابل سی صاع حدود ۱۲۰ کیلو جو پیش یکی از یهودیان به عنوان گرو گذاشته بود؛ و چیزی نبود که در مقابل آن زره را پس بگیرد تا اینکه رحلت نمود.^(۳)

حضرت انس و ابو سعید خدری رضی الله عنهما می‌گویند: حادثه رحلت رسول الله ﷺ مسلمانان را سخت تکان داد، چنین احساس می‌شد که صاعقه سهمگینی بر سرشان فرو آمده اما حضرت ابوبکر صدیق ﷺ که خداوند متعال او را برای خلافت و

✓ حادثه

رحلت رسول

الله ﷺ

مسلمانان را

سخت تکان

داد، چنین

احساس

می‌شد که

صاعقه

سهمگینی بر

سرشان فرو

آمده اما حضرت

ابوبکر

صدیق ﷺ که

خداوند متعال او

را برای خلافت

و جانشینی

پیامبرش مهیا

کرده بود صبر و

استقامت بی

نظیری از خود

نشان داد.